

سرهنگ رضا حیدری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

سرهنگ کامیار چهری

انتقام‌گیری اینترنتی به **خاطررد** **پیشنهاد دوستی**

● **شوق:** پسری جوان وقتی با مخالف دختری برای دوستی مواجه شد، درصدد انتقام‌گیری از او برآمد. سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای پایتخت گفت: سی‌ام بهمن سال گذشته دختری ۲۱ ساله با دردست‌داشتن شکایتی از دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای تهران به پلیس فتا مراجعه و اظهار کرد، شخص ناشناسی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با مزاحمت‌ها و ارسال پیام اصرار می‌کرد که با من ملاقات حضوری داشته باشد، ولی بعد که با مخالفت من مواجه شد، شروع به تهدید در فضای مجازی کرد و به‌این‌ترتیب متحمل فشارهای روحی و روانی شده‌ام. این مقام انتظامی عنوان کرد: با دریافت اظهارات شاکای، بررسی موضوع در دست تیمی از کارآگاهان پلیس فتا قرار گرفت و مأموران پلیس فتا موفق شدند در تحقیقات مهندسی، هویت متهم و مخفیگاهش را شناسایی کنند. وی با اشاره به اینکه متهم با دستور قضائی در مخفیگاهش دستگیر شد و برای تحقیقات تکمیلی به پلیس فتا انتقال یافت، افزود: متهم در ابتدا منکر هرونه جرمی شد، اما پس از مشاهده ادله و شواهد انکار‌ناپذیر لب به اعتراف گشود و گفت: در تلگرام با صفحه اجتماعی شاکای که با عکس او نمایان شده بود مواجه شدم و فهمیدم که صفحه تلگرامی متعلق به دختری جوان است، گفت‌وگو را با او شروع کردم و بعد از اینکه مطمئن شدم او خانم است، به قصد دوستی به او پیشنهاد ملاقات دادم، ولی او نپذیرفت. سپس درصدد آزار و اذیت او برآمدم. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اشاره به اینکه متهم به دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای معرفی شد، به شهروندان تذکر داد: اعاده حیثیت و جبران آسیب واردشده ناشی از انتشار تصاویر خصوصی در فضای مجازی، بسیار مشکل و شاید غیرممکن باشد. بنابراین با رعایت اصول حفظ و نگهداری اطلاعات خصوصی و عدم نگهداری این اطلاعات روی گوشی هوشمند، از ارسال اطلاعات و تصاویر خصوصی به دیگران در بستر شبکه‌های اجتماعی به‌شدت خودداری کنید.

دستگیری راننده تاکسی و همدستش با ۵۰ کیلو مواد مخدر

● **شوق:** رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر از دستگیری یک راننده تاکسی و همدستش با ۵۰ کیلو تریاک و حبشیش خبر داد و گفت: این متهمان با همکاری پلیس استان قم دستگیر شدند. سرهنگ «عبدالوهاب حسوند» گفت: با دریافت خبری مبنی بر اینکه راننده یک دستگاه خودروی سواری تاکسی ضمن تهیه مواد مخدر از قاچاقچیان و سوداگران، مشغول توزیع آن در سطح تهران است، بررسی موضوع در دستور کار تیمی از مأموران عملیات ویژه پلیس قرار گرفت. این مقام انتظامی تصریح کرد: تحقیقات پلیسی آغاز شد و مأموران دریاقتند راننده تاکسی با همکاری یکی از همدستانش اخیرا با استفاده از دو دستگاه خودروی سواری و تاکسی به استان قم مسافرت کرده و با تهیه مواد مخدر قصد بازگشت به شهر تهران را دارند. این مقام قضائی با اشاره به تکمیل رصدهای اطلاعاتی توسط مأموران عملیات پلیس مبارزه با مواد مخدر افزود: با هماهنگی‌های قضائی، تیمی از مأموران این پلیس به استان قم اعزام و موفق شدند با همکاری پلیس مبارزه با مواد مخدر استان قم، خودروی متهمان را در محور قم – تهران شناسایی کنند. وی عنوان کرد: در مراقبت‌های ویژه پلیسی مشخص شد خودروی سواری به صورت پوششی عمل کرده و از خودروی تاکسی مراقبت می‌کند که هر دو خودرو در عملیات مشترک توفیق و رانندگان خودروها دستگیر شدند. وی تصریح کرد: در بازرسی از داخل خودروی تاکسی ۳۰ کیلو و ۲۵۰ گرم تریاک و ۲۰ کیلو و ۶۲۰ گرم حبشیش کشف شد.

فوت عابر پیاده در بزرگراه آیت‌الله سعیدی

● **شوق:** عابر پیاده‌ای به دلیل بی‌توجهی راننده مینی‌بوس در بزرگراه آیت‌الله سعیدی جان باخت. سرهنگ احسان مؤمنی، رئیس اداره تصادفات پلیس پایتخت اظهار کرد: ساعت ۱۵ روز دوشنبه وقوع یک فقره تصادف یک دستگاه خودروی مینی‌بوس با عابر پیاده‌ای در بزرگراه «آیت‌الله سعیدی» شمال به جنوب قبل از آزادگان به مرکز فوریت‌های پلیسی مخابره شد. رئیس اداره تصادفات پلیس پایتخت با بیان اینکه تیمی از عوامل پلیس راهور به همراه عوامل امدادی به نشانی اعلامی اعزام شدند، گفت: بررسی اولیه حکایت از این داشت، عابر پیاده‌ای که در مقابل خودروی مینی‌بوس در حال حرکت بوده، با خودروی مینی‌بوس برخورد کرده و به علت شدت ضربه وارده در صحنه تصادف فوت کرده است. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه در بررسی‌های کارشناسی مشخص شد علت اصلی وقوع تصادف عدم توجه راننده خودروی مینی‌بوس به جلو بوده است، افزود: سرعت زیاد این مینی‌بوس باعث شده تا راننده دیگر نتواند خودروی خود را کنترل کرده و در مواجهه با عابر، چون زمانی برای ترمزکردن نیست ایست کامل نداشته، با وی به‌شدت برخورد کرده و متأسفانه عابر پیاده در صحنه حادثه فوت کرده است. وی به رانندگان توصیه کرد: هنگام رانندگی تمام حواس خود را مطلقاً به رانندگی کرده و از خوردن و آشامیدن، سیگار کشیدن و صحبت با تلفن همراه امتناع کنید.

شوق: مرد جوانی که متهم است اولین قتل سال ۹۹ را مرتکب شده، پس از ۱۸ روز فرار دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما، این متهم پس از قتل‌ی که شامگاه هفتم فروردین امسال مرتکب شد، فراری بود تا اینکه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران موفق شدند با پیگیری سرنخ‌ها او را در یک کارواش دستگیر کنند. وقوع این قتل ساعت ۱۰:۳۰ شامگاه هفتم فروردین به بازپرس کشیک قتل تهران اطلاع داده شد و مامور پلیسی که با تلفن بازپرس کشیک قتل تماس گرفته بود، به بازپرس شعبانی، رئیس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران گفت: پسر جوانی در انبار کالا به قتل رسیده و پسرعمه‌اش اولین نفری است که جسد را دیده، بعد هم موضوع را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام کرده است.

به‌این‌ترتیب بازپرس شعبانی به همراه تیم‌های ویژه تحقیق صحنه جرم پلیس آگاهی، تشخیص هویت و پزشکی قانونی در محل حاضر شد تا بر روند تحقیقات نظارت کند. پسرعمه مقتول درباره مظنون این جنایت گفت: دوست مشترک من و پسردایی‌ام اینجا بود و او قتل را انجام داد، چون زمانی که من اینجا را ترک کردم، او تنها کسی بود که به همراه پسردایی‌ام در انبار حضور داشت و اگر او این کار را کرده، چه دلیلی دارد که ناپدید شود و تلفنش را هم جواب ندهد.

مأموران پلیس آگاهی بعد از بررسی ادعای شوق: پرونده قتل مردی که بعد از خروج از خانه کشته شده بود، در حالی به پرداخت دیه ختم شد که ردی از عاملان جنایت به دست نیامد.

به گزارش خبرنگار ما، ۱۶ سال قبل زنی جوان به نام لیدا به همراه برادرشهرش به پلیس مراجعه کرد و گفت شوهرش کم شده است. او گفت: کیان برای رفتن به سر کار از خانه خارج شد و دیگر برنگشت، من نمی‌دانم چه اتفاقی برای او افتاده است. شوهرم تلفن همراه داشت، اما جواب نمی‌دهد. با محل کار او تماس گرفتم و گفتمند آنجا هم نیست. من دنبال شوهرم می‌گردم و خیلی نگران هستم. می‌ترسم اتفاق بدی برایش رخ داده باشد.

وقتی مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند، متوجه شدند کیان روز حادثه حتی به محل کارش نرفته است و احتمالا آنچه برای او اتفاق افتاده در مسیر خانه تا محل کار روی داده است. چند روز بعد مأموران جسد مردی جوان را پیدا کردند که با مشخصات کیان هم‌خوانی داشت. بعد از شناسایی جسد کیان، تحقیقات درخصوص مرگ او آغاز شد. آنچه مسلم بود، او در یک درگیری کشته شده و آثار جراحات روی بدنش مشخص بود. وقتی لیدا مورد بازجویی قرار گرفت تا درباره دشمنان احتمالی شوهرش صحبت کند، گفت: شوهرم با کسی درگیری نداشت. او کمی تندمراج بود، اما اصلا با کسی درگیری نمی‌شد. ما زندگی خوبی با هم داشتیم و من از زندگی‌ام راضی بودم. ما با هم اختلاف نداشتیم و خوشحال زندگی می‌کردیم.

وقتی نوبت به برادر کیان رسید، او ادعا کرد لیدا و کیان با هم درگیری داشتند، او گفت: لیدا و کیان با هم اختلافی داشتند. لیدا

حوادث

متهم نخستین جنایت سال دستگیر شد



پسرعمه مقتول تحقیقات خود را برای دستگیری تنها مظنون این جنایت آغاز کردند تا اینکه روز دوشنبه متوجه شدند مظنون فراری سه روز است در یک کارواش مشغول به کار شده، بنابراین وارد عمل شدند و متهم را دستگیر کردند. این جوان در اظهارات اولیه گفت: مدتی قبل از قتل برای کار به تهران آمده بودم، اما چون کار پیدا نکردم، به شمال رفتم تا شاید آنجا شغلی پیدا کنم، اما آنجا

هم موفق نشدم، برای همین دوباره به تهران آمدم. در نهایت کاری پیدا کردم. با مقتول و پسرعمه‌اش در یک انبار لوازم خانگی همکاری کردم. در انبار یک اتاقک بود که شب آنجا می‌خوابیدم.

این متهم ادامه داد: مقتول و پسرعمه‌اش در قسمت باربری یخچال کار می‌کردند. مقتول فکر می‌کرد من پول دارم و به‌خاطر همین تصمیم گرفته بود به طریقی پول‌هایم را از جنگم دربیابورد.

راز ۱۶ ساله یک جنایت سر به‌مهر ماند

می‌خواست سر کار برود، اما برادرم اجازه نمی‌داد. من بارها شاهد درگیری آنها بودم. لیدا برادرم را تهدید می‌کرد. در ادامه، خانواده کیان از لیدا شکایت و او او متهم پرونده معرفی کردند. ماه‌ها بازجویی از لیدا راه به جایی نبرد و او گفت: من اختلافاتی با شوهرم داشتم، اما این اختلافات جدی نبود و من اصلا نمی‌دانم چرا خانواده شوهرم علیه من شکایت کرده‌اند. من اصلا نمی‌خواستم به فرزند آنها آسیبی وارد کنم و شوهرم را دوست داشتم. مشکلم این بود که خرج زندگی بالا بود و کیان هم از عهده آن بر نمی‌آمد، من گفتم می‌خواهم کار کنم تا کمک خرج باشم. با کارکردن حداقل می‌توانستم خرجی خودم را تأمین کنم، اما شوهرم قبول نمی‌کرد. اختلاف ما فقط بر سر این موضوع بود، اما اصلا مسئله‌ای نبود که بخواهم به‌خاطرش شوهرم را بکنم. خانواده شوهرم عصبانی هستند و به‌همین‌خاطر هم چنین اتهاماتی را علیه من مطرح می‌کنند. مدتی بعد مادر کیان

با شکایتی جدید پسردایی‌های لیدا را به‌عنوان متهم معرفی کرد. او گفت: پسردایی‌های کیان که سه نفر هستند، از مدت‌ها قبل با پسر من مشکل داشتند. آنها چندبار با حمله به پسرم او را کتک زدند. هروقت لیدا با کیان درگیری می‌شد، پسردایی‌هایش که از اشرار محل هستند به حمایت از لیدا پسر مرا کتک می‌زدند و من فکر می‌کنم آنها بلایی سر فرزندم آورده‌اند، چون چند روز قبل از حادثه هم درگیری بین پسررم و لیدا اتفاق افتاده بود.

وقتی مأموران از سه پسردایی لیدا بازجویی کردند، باز هم مدرکی که نشان دهد آنها مرتکب قتل شده‌اند به دست نیامد. آنها هرکدام شاهدانی داشتند که تأیید می‌کردند در زمان قتل در محل دیگری بودند. به‌این‌ترتیب مشخص شد آنها روز حادثه اصلا با کیان ملاقات